



• خوابگاه آب رفته نام آوران پسا فردا

• مهندسی فرهنگی

• مصاحبه با مدیر خانه سالمندان نیکان گرگان

• از کلمه ای نام آشنا تا پشت پرده هایش

• ترامپ؛ احیاگر مرگ بر آمریکا

• مصاحبه با اعضای شورای صنفی دانشگاه؛ پیگیری دغدغه ها



فهرست

- ۳..... خوابگاه آب رفته نام آوران پسا فردا
- ۴..... مرگ خلیج گرگان
- ۵..... فرهنگ عاشورایی
- ۶..... مهندسی فرهنگی
- ۷..... مصاحبه با مدیر خانه سالمندان نیکان
- ۹..... یادداشت پند آمیز از دانشکده دور افتاده
- ۱۰..... از کلمه ای نام آشنا تا پشت پرده هایش
- ۱۱..... ترامپ: احیاگر مرگ بر آمریکا
- ۱۲..... مصاحبه با شورای صنفی دانشگاه گلستان
- ۱۴..... شعر دانشجویی

@gupishdad

نشریه پیشداد

صاحب امتیاز: محمد جواد زبردست
مدیر مسئول: محمد جواد زبردست
سر دبیر: زهرا صیادی زاده
اعضای هیأت تحریریه:

- بخش سیاسی:** آقایان محمد عرب - سجاد فرهمند پارسا
- محمد جواد زبردست و خانم اسلامی
- بخش اجتماعی:** خانم ها لطیف - پوراسفندیاری -
میرکریمی - قاراچشمه
- بخش فرهنگی:** آقای امیررضا کاظمی و خانم ها همتی
- نیک خواهی
- بخش صنفی:** خانم ها تجری - طالبی - صیادی زاده
- بخش رفاهی:** آقایان حسین کریمی - احسان یعقوب
خوانی - اسماعیل جهاننیده - سعید خسروی
- بخش زیست محیطی:** سینا مرادحسینی
- بخش شعر طنز:** خانم عرب
ویراستار: آقای امیررضا کاظمی



من همه‌ی دانشجویان را به دانشجویی، به معنای واقعی کلمه - یعنی دنبال علم رفتن - و به فعالیتهای متناسب با دانشجویی دعوت می‌کنم؛ چه فعالیتهای اجتماعی، چه فعالیتهای سیاسی. ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

سخن سردبیر

"بسمه تعالی"

با سپاس و ثنای بی حد بر آستان صفات بی همتای احدیت و با استعانت از درگاه بی کرانش و با یاری و تلاش جمعی از دانشجویان نخبه و آگاه دانشگاه گلستان، نشریه دانشجویی مستقل پیشداد در فروردین ماه سال ۱۳۹۶ تدوین و شروع به کار کرد. در این راه با نظر به وجود نشریات مختلف و متنوع و اینکه در عصر ارتباطات آشنایی و دست رسی به اطلاعات در دنیای مجازی به سرعت غیر قابل باوری رسیده است، منتشر کردن نشریه ای که گاهنامه می باشد با اما و اگر های فراوانی رو به رو بوده است. آنچه که باعث شده است علی رغم همه چالش های پیش رو انتشار شماره دوم نشریه در اولویت قرار بگیرد و فرصتی ناب دوباره تعبیر شود، این است که اصحاب فکر و قلم و دانشجویان، محلی را برای بیان نظرات و اندیشه های خود داشته باشند. اساتید و فعالین دانشجویی در آن به تعامل و تفاهم درخور برسند و محلی برای نقد و بررسی آرا و عقیده های موجود باشد. مهم تر از همه ی آن ها حضور پر رنگ دانشجویان در عرصه های علمی و پژوهشی محسوس باشد. در خاتمه لازم می دانم از آقای محمدجواد زبردست، فعال فرهنگی سیاسی دانشگاه گلستان، به خاطر مشارکت در راه اندازی این نشریه مستقل دانشجویی و همچنین اعضای هیئت تحریریه که ترکیبی از چهره های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی می باشد که دلسوز دانشگاه هستند؛ به جهت همکاری بی حدشان تشکر می نمایم. امید آنکه پیشنهاد ها انتقاد ها و همراهی مخاطبان حقیقت جو و دلسوز زحمت کش به شکوفایی و رشد روز افزون نشریه پیشداد در سطح دانشگاه جامع گلستان و کشور جمهوری اسلامی ایران بینجامد.

باسپاس زهرا صیادی زاده سردبیر نشریه پیشداد دانشگاه جامع گلستان

خوابگاه به آب رفته نام آوران پسا فردا

خوابگاهی که در چاپ قبلی نشریه در موردش صحبت کردم، با همه ی کمبود هایش حداقل محدودیت فضا نداشت؛ اگر چه نمازخانه آن محل استراحت و اسکان دو تن از دانشجویان بود. همچنین چند عدد مَهر و سجاده و یک کمد که درونش قرآن قرار داشت کم و بیش ماهیت آن را حفظ کرده بود. اگر کسی از راه می رسید می توانست نمازخانه خوابگاه را هر چند سخت اما پیدا کند و از مکان کوچکی که برای عبادت اختصاص داده شده بود استفاده کند.

اما.....

امسال که آمدیم با چهره ی عجیبی از خوابگاه مواجه شدیم. این خوابگاه هیچ شباهتی با خوابگاه قبل نداشت. آن از حیاطش که پارسال طوری بود که گاهی وقت ها تا حوصله ی ما سرمیرفت، داخل حیات گل کوچیک بازی می کردیم اما امسال آب رفته بود و کوچک شده بود به طوری که جای پارک یک ماشین هم نمی شود.



کتابخانه خوابگاه نام آوران

مسئولان هرسال بزرگ تر می شود انگار که موازی تورم است. اگر به مفاد قرارداد نگاهی بیندازیم می بینیم که بیرون انداختنت از این پانسیون به اصطلاح دولتی به مویسی بند است؛ قراردادی یک طرفه که امضا کردنش بدست خودت



حیات خوابگاه نام آوران

با اندکی تأسف از کنار آن رد شدم. وقتی داخل خوابگاه آمدم دیدم که حتی خبری از آن نمازخانه نصفه و نیمه سال قبل هم نیست و همه ی آن تبدیل شده به اتاق هایی نقلی برای دانشجویان جدید الورد سال تحصیلی ۹۶. با خود گفتم دیگر به معنای واقعی کلمه دارد خواب + گاه می شود. از شهریه ی آن که دیگر برایتان نگویم مانند یک سرو سر به فلک کشیده و به لطف

ندارم خانه ای بی سر پناهم/شده منزل خدایا
خوابگاهم
دوتا کهنه پتو دارم که شب ها/به صد
زحمت بخوابم لای آنها
زدست هم اتافی درعذابم /که هرشب ساعتی
گیرند خوابم
یکی یخچال داریم اشتراکی /به حال انفجار
از خوراکی
که اندر او نهادی گر تو ای/به یک ساعت
دگر آن را نیایی
ندانم محتویات غذا را/همی دانم که دارد
ویتامین کا
اگر اقتد به یادت خانواده /بکن از کارت
تلفن استفاده
خداوندا بکن بر من نگاهی/ندارم من در این
غربت پناهی
به جز نامه ز بحر انتقالی /نمانده در سرم فکر
و خیالی



آشپزخانه مشترک واحد هکف خوابگاه نام آوران

است ولی ابطالش نه! مانند قرارداد ترکمن چای با این تفاوت که دانشجو در نقش میهن عزیزمان ایفای نقش می کند و مسئولان خوابگاه در نقش شوروی! به امید آن روزی که با خبر بشویم دانشگاه گلستان خوابگاهی دولتی دارد و داستان راستان خوابگاه نام آوران فردا برای دانشجویان خیالی خوابگاه نام آوران پسا فردا بیان کنیم.



مرگه خلیج گرگان



خطرات خلیج گرگان یاد باد!

چند سالی می شود که این روند آغاز شده ولی برخی کارشناسان امیدوار می کنند و می گویند این اتفاقی است که در گذشته هم رخ داده، طبیعی است و دوباره خلیج گرگان پر آب خواهد شد.

با این حال تنها پسروری آب نیست که این روزها برای خلیج گرگان نگرانی ایجاد کرده است. آلودگی های میکروبی و آلاینده های صنعتی که بر اثر توسعه صنعت و دامداری در حاشیه رودخانه های گلستان رخ داده هم سواحل شرقی خزر را فرا گرفته است.

احیای "خلیج گرگان و تالاب میانکاله" در گرداب اختلاف نظرها

معضلات امروز خلیج گرگان نتیجه سال ها کوتاهی و نادیده گرفتن مشکلات است و هم اکنون تلاش مسئولان گلستان گره گشای مشکل خلیج گرگان نیست.

احیای خلیج گرگان و تالاب میانکاله اگرچه طی ماه های اخیر با شکل گیری یک کمیته ملی تخصصی در دستور کار قرار گرفته است اما اختلاف نظر میان کارشناسان سازمان محیط زیست به عنوان متولیان اصلی احیای این اکوسیستم عملکرد کمیته را با اما و اگرهایی همراه کرده است. بدیهی است که سازمان محیط زیست تنها زمانی می تواند اثربخشی کافی را در بستر جامعه و در تصمیمات کلان کشور داشته باشد که بتواند با ارائه ادله های علمی پایگاه قوی تری برای خود کسب کند.

عدم وجود برنامه ای مشخص و هدفمند در مناطقی همچون سواحل گلستان، باعث شده تا نه تنها در استفاده حداکثری از توان اقتصادی این حوزه ناکام بمانیم، بلکه حیات و بقای سواحل مذکور را نیز به خطر انداخته است. با مطالعه سیر تاریخی و فراز و فرودهای این خطه جغرافیایی، به روشنی به اهمیت این عرصه واقف خواهیم شد. نمونه تاریخی آن بندر دره گز است که با پیشینه تاریخی بیش از ۵ قرن می تواند به یکی از حوزه های استراتژیک اقتصادی کشور مبدل شود. بندری که در دوران قجرها از شکوه، جلال و اهمیت خاصی برخوردار بود.

نابودی خلیج گرگان

چندسالی است که پسروری آب خلیج گرگان آغاز شده و نگرانی هایی را در سطح استانی و ملی به همراه داشته است این در حالی است که تا کنون راهکاری اساسی برای رفع این مشکل اندیشیده نشده است. اکنون ساحل زیبا و موج خلیج گرگان به زمین های ترک خورده و کویر شبیه شده است. و نکته جالب توجه و قابل تأمل تابلوی "شنا اکیدا ممنوع" است که در اطراف ساحل به چشم می خورد.



خلیج گرگان یک محیط تالابی است و این تالاب از نوع دریایی و آب شور می باشد. تالابها از جمله بوم سازگانه های مهم و با ارزش در طبیعت است که با ایجاد محیطی مناسب برای رشد آبریان، پرندگان و گیاهان، نقش بی بدیلی را در تولیدات اولیه زیستی، پالایش آلودگی ها و حفظ گونه های مختلف گیاهی و جانوری بر عهده دارد. جالب است بدانید ارزش اکولوژیک تالابها ۱۰ برابر جنگل ها و ۲۰۰ برابر زمین های زراعی می باشد.

سواحل گلستان از ظرفیت های اقتصادی خدادادی محسوب می شود که به شدت نیازمند طراحی برنامه های هوشمندانه در راستای بهره وری هر چه بیشتر اقتصادی است. در بسیاری از کشورهای جهان به شهرهای ساحلی به عنوان ظرفیت های اقتصادی ویژه نگریسته می شود، امری که متأسفانه در ایران آن چنان که باید مورد توجه قرار نمی گیرد و بعضاً شاهدیم توانمندی های بالقوه چنین محدوده هایی مورد استفاده قرار نگرفته و به تعبیر برخی کارشناسان در سایه غفلت و بی توجهی ها، سوخت می شود. سواحل گلستان و خلیج گرگان از مصادیق این غفلت و کم توجهی ها به شمار می رود.





این جشن است
این جشن است
این جشن است

عاشورا

فرهنگ عاشورا

امروز در همه جهان نسیم حیات بخش و رهایی آفرین به پرچم شیعه می وزد؛ پرچمی که نام مبارک امام حسین (ع) و کربلا و عاشورا و ۱۱ امام شهید با تاریخی خونبار اما برخاسته از عشق بی تحریف و خالی از بدعت اسلام ناب محمدی (ص) به نقش بسته است. امام خمین (ره) از عاشورا برخاست و پرچم از کف افتاده کربلا را بار دیگر برافراشت تا راهیان حسین (ع) و عاشوراییانی که به عاشورا نرسیده بودند، راه گم نکنند. عاشورا یک واقعه و یک کلمه نیست؛ یک فرهنگ و یک فرهنگ نامه که بسیاری از کلمات و معانی را در دل خود جای داده است. بسیاری از مفاهیم در درون آن متولد شده. گروهی معانی جدیدی یافته، کثیری از واژگان در آن رنگ یافته اند و برخی از کلمات با انتساب به عاشورا حیات ابدی یافتند و جاودانه شدند.

مولفه های فرهنگ عاشورا

امروز در همه جهان نسیم حیات بخش و رهایی آفرین به پرچم شیعه می وزد؛ پرچمی که نام مبارک امام حسین (ع) و کربلا و عاشورا و ۱۱ امام شهید با تاریخی خونبار اما برخاسته از عشق بی تحریف و خالی از بدعت اسلام ناب محمدی (ص) به نقش بسته است. امام خمین (ره) از عاشورا برخاست و پرچم از کف افتاده کربلا را بار دیگر برافراشت تا راهیان حسین (ع) و عاشوراییانی که به عاشورا نرسیده بودند، راه گم نکنند. عاشورا یک واقعه و یک کلمه نیست؛ یک فرهنگ و یک فرهنگ نامه که بسیاری از کلمات و معانی را در دل خود جای داده است. بسیاری از مفاهیم در درون آن متولد شده. گروهی معانی جدیدی یافته، کثیری از واژگان در آن رنگ یافته اند و برخی از کلمات با انتساب به عاشورا حیات ابدی یافتند و جاودانه شدند.

عاشورا یعنی: شور، شعور، شعر، ایمان، فخر، جلال، اخلاص، وفا، عهد، پیمان، ایثار و بعضی سلسله از کلمات و مفاهیم در صحنه عاشورا رنگ باختند و طبل رسوایی شان به صدا درآمد از جمله: قدرت، ظلم، خدعه، فریب، ترس، سیاهی لشکر، خنجر، نیزه و غارت می باشد.

علاوه بر خود واقعه عاشورا که مستقلاً در دینداری جامعه اثر گذار است و در های غیب را می گشاید (یومنون بالغیب) ابزارها

و مؤلفه های گسترده ای برای عمق بخشی دین و ترویج اهداف والای امام حسین (ع) در دل نسل ها قرار دارد. "فرهنگ عاشورا" از یک رویکرد و آزمون های گوناگون مثل معرفت، بصیرت، عشق، حماسه، شجاعت، وفای به عهد و شیفتگی عبادت برخوردار است که تجلی ابعاد گوناگون حیات و ملمات امام حسین (ع) و اصحاب بزرگوارشان است که در فرهنگ عاشورا درگستره زمان می درخشند و مصباح هدایت نسل ها و ملت ها است.

هر انسان آزاده ای که فطرت و حقیقت جدی تری دارد با کمی تعمق در فرهنگ عاشورا، به این مفاهیم پی می برند. این مفاهیم و ارزش ها به عمق جان نفوذ و بر عقل تجلی پیدا می کند و سبب تعمق دینداری و پیوند بیشتر با این مکتب و فرهنگ می شدند و در خاتمه، از مهم ترین درس های نهضت کربلا و از القای نخستین فرهنگ عاشورا، آزادگی، حریت و تن به ظلم ندادن و اسیر ذلت نشدن است. حسین بن علی (ع) فرموده است: «موت فی عز من حیاه فی ذل». مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است و نیز در مقابل تسلیم و بیعت فرمود: «لا والله! لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل ولا اقر اقرار البعید». ذلت به شما نمی دهم و چون بردگان تسلیم شما نمی شوم.



تبیین مهندسی فرهنگی

شماره ۹۴ فروردین ۱۳۹۴

مقدمه:

فرایند باز طراحی، اصلاح و ارتقای شئون و مناسبات نظام های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بر اساس فرهنگ مهندسی شده با توجه به شرایط، ویژگی ها و مقتضیات ملی و جهانی است.

فرهنگ متشکل از "عقاید و باور های اساسی"، ارزش ها، آداب و الگو های رفتاری" ریشه دار و دیرپاست که رفتار و مناسبات جامعه را جهت می دهد و هویت آن را می سازد.

سطوح فرهنگی مورد مطالعه در کل جامعه یا بخش قابل توجهی از آن به سه لایه تقسیم می شود که در بطنه ی بررسی و تحلیل قرار می گیرند:

۱) فرهنگ ملی (اسلامی-ایرانی)

۲) فرهنگ عمومی

۳) فرهنگ حرفه ای (مشاغل، روحانیون، قضات و ...)

فرهنگ ملی (اسلامی-ایرانی)

مجموعه ای از عقاید، ارزش ها و الگو های رفتاری ریشه دار و دیرپاست که عموماً در مرز های جغرافیایی یک کشور یافت می شود. این فرهنگ ملی، طی قرن ها در ملت مسلمان ایرانی ایجاد و تثبیت شده و به آن هویت بخشیده است.

فرهنگ عمومی

مجموعه ای از باور ها، نگرش ها و گرایش ها و الگو های رفتاری است که فضای عمومی و مشترک فرهنگی جامعه را در مقاطع زمانی مشخص شکل می دهد. فرهنگ عمومی بر ارزش ها و باور های آحاد ملت تأکید و در مقایسه با فرهنگ ملی (اسلامی-ایرانی) پایداری کمتری دارد. این لایه از فرهنگ تا حدود قابل ملاحظه ای، تأثیر پذیر از مقتضیات زمانی و مکانی جامعه و همچنین عملکرد سایر نظام ها از جمله نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، حقوقی و... است.

فرهنگ حرفه ای

مجموعه ای از باور ها، ارزش ها، الگو های رفتاری نماد های شاغلان هر حرفه است. ارزش های این لایه فرهنگی به واسطه ی سنوات

می دانند. ایشان همچنین فرهنگ را روح تمام فعالیت های جامعه می دانند و به اجرای مهندسی فرهنگی در تمامی ابعاد آن تأکید دارند. ایشان فرهنگ را مهم ترین عامل دست یابی به آرمان اصلی ملت ایران می دانند.

اجرای مهندسی فرهنگی قبل از اجرایی مهندسی فرهنگ لازم است و اجرای به تنهایی هر یک نمی تواند موثر و کارگر باشد. لذا در بحث ضرورت مهندسی فرهنگی توجه و الزام به اجرای مهندسی فرهنگ امری ضروری تر می باشد.

در مهندسی فرهنگی چهار داشته خودمان را به صورت زیر تقسیم بندی می کنیم:

۱. شریک

۲. رقیب

۳. حریف

۴. دشمن

و در حوزه های بالا به ارائه راهکاری می پردازیم.

طولانی در طی آموزش های تخصصی و یا تجربه حاصل می شود.

مهندسی فرهنگ عبارتی است که بیشتر مردم با مهندسی فرهنگی اشتباه می گیرند در صورتی که مهندسی فرهنگ به فرایند آسیب شناسی و پالایش فرهنگ و جهت دهی آن بر پایه هویت اصیل اسلامی-ایرانی اطلاق می شود.

شایان ذکر است، برای رسیدن به یک فرایند درست در مهندسی فرهنگی باید از سه گام رصد و پایش فرهنگی، مدیریت راهبردی فرهنگ کشور و پیوست فرهنگی عبور کنیم.

منظور از پایش فرهنگی مطالعه، توصیف، تحلیل و پیش بینی نظام مند از الگو ها و روند تغییر و تحول در باور ها و اعتقادات، ارزش ها و هنجار

های فرهنگی در سطوح ملی و بین المللی به مقصود اعمال مدیریت راهبردی و مساله شناسی فرهنگی است. همچنین به فرایند تدوین، تصویب و اعمال راهبرد های کلان فرهنگی، سازمان دهی و ارزیابی راهبردی در نظام های

مختلف کشور با توجه به رهیافت های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و مقتضیات ملی و جهانی است. پیوست فرهنگی نیز سندی است

مبنی بر مطالعات کارشناسی، روشن کننده ی پیش بینی پیامد های فرهنگی و اعمال استاندارد های مربوط در هر نوع طرح، تصمیم و اقدام

کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی متناسب با شرایط جامعه.

اولویت های فرهنگی معیار تخصیص امکانات و منابع کشور برایت حقوق اهداف فرهنگی محسوب می شوند.

۱. هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی

۲. نهاد خانواده و جمعیت

۳. سبک زندگی اسلامی - ایرانی

۴. اخلاق و فرهنگ عمومی جامعه

۵. هنر

۶. قدرت نرم

۷. اطلاعات، ارتباطات و رسانه

۸. تعامل منطقه ای و جهانی

۹. نظام فرهنگی فراگیر و کارآمد

۱۰. محصولات و صنایع فرهنگی

ضرورت مهندسی فرهنگی

حضرت امام خامنه ای مهندسی فرهنگی را جز تکالیف مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی



مهندسی فرهنگی



مصاحبه با مدیر خانه سالمندان نیکان گرگان مخصوص بانوان



ام. البته کمک کردن فقط در سه روز عاشورا و شب عروسی شما که غذا اضافه می‌آید نیست؛ حد کمک به ما متأسفانه همین قدر است.

● اردو و فعالیت خارج از مرکز هم دارید؟

در گذشته که وضعیت سالمند من یک مقدار بهتر بود، بله؛ اردوی تفریحی لب دریا، سفرهای داخل استان و حتی خارج از استان و سفر به مشهد مقدس هم داشتیم اما هر چه جلوتر آمدیم وضعیت سالمندان ما بدتر شد و به جهت مسائل و مشکلات رفت و آمد، فعالیتی نداریم اما در طول سال و هفته اینجا مراسم جشن و شادی هم داریم. هر سال شب سال نو، روز مادر و روز سالمند اینجا جشن مفصل برگزار می‌کنیم.

● شهریه نگهداری چقدر است؟

نرخه‌ای که می‌گویم واقعی نیست. چیزی حدود یک میلیون و نهصد هزار تومان است، اما این مبلغ آن قدر فیلتر می‌شود که می‌رسد به مبلغ هشتصد و شصت هزار تومان که از این مبلغ بخشی را دولت به عنوان یارانه به ما می‌دهد.

در استان ما کسی راغب به تاسیس خانه سالمندان نیست به این جهت که به لحاظ مالی مقرون به صرفه نیست. متأسفانه هیچ کس با واقعیت و مشکلات خانه سالمندان

خواهند شد.

● درباره تغذیه و وعده‌های غذا توضیح دهید.

تمام وعده‌های غذایی در اینجا پخته می‌شود و وجود دارد. ساعت ۱۰ صبح و ۱۷ عصر هم برنامه تغذیه به صورت میان وعده ای داریم. برنامه غذایی ما مانند منزل است، نه بیمارستان؛ چون کار ما نگهداری است نه درمان.

● گستره‌ی سنی افرادی که در خانه سالمندان نیکان نگهداری می‌شوند، چند سال است؟

در این مکان سالمندان از سن ۷۰ سال تا ۱۱۵ سال وجود دارد؛ منتهی تعدادی محدود هم داریم که سن ۴۰ یا ۵۰ ساله دارند.

● آیا سازمان‌ها از شما حمایت می‌کنند؟

جواب این پرسش شما را نمی‌دهم. البته نه به این معنی که به شما توهین کرده باشم خدایی ناکرده، بلکه تا کنون هیچ گونه مساعدتی از هیچ سازمانی دریافت نکرده‌ایم. مجموعه ما زیر نظر سازمان بهزیستی است که این سازمان، برای هر فرد یارانه‌ای در نظر دارد ولی این مبلغ کافی نیست. تعدادی هم از طرف کمیته امداد حمایت می‌شوند.

بنده ۱۷، ۱۸ سال سابقه کار در اینجا را دارم که تا کنون چیزی به عنوان مساعدت ندیده

● لطفاً خودتون و خانه سالمندان را معرفی کنید و بفرمایید از چه سالی شروع به فعالیت کرده اید؟

اینجانب جهانشاهی، مدیر خانه سالمندان نیکان هستم. مرکز جامع نگهداری سالمندان نیکان استان گلستان در ۱۳۷۸/۱۲/۲۲ با مجوز رسمی از بهزیستی کل کشور شروع به کار کرد.

در ابتدای امر خانم‌ها و آقایان در این ساختمان دو طبقه با هم نگهداری می‌شدند و بعد از سه سال به اعتراض برخی افراد مبنی بر اینکه به لحاظ شرعی و فرهنگی مشکل دارد، آن‌ها را از هم جدا کردند اما بعد از یک سال به این نتیجه رسیدند که اگر آنها در یک مجموعه باشند بهتر است منتهی دیگر بنا به دلایلی شرایط نگهداری مختلط سالمندان وجود نداشت.

در طول ۱۷، ۱۸ سال سابقه‌ی کاری بنده، حدود ۷۰۰ سالمند آمدند و رفتند و در حال حاضر ۷۰ نفر از سالمندان استان در این مکان نگهداری می‌شوند که اغلب آنها دچار بیماری‌هایی چون: آلزایمر، اعصاب و روان و قطع نخاعی هستند. در این مجموعه سالمند سالم وجود ندارد.

نیمی از آنها مجهول‌الهیوت هستند یعنی با حکم قضایی در اینجا حضور دارند و با پیدا شدن اقوام و آشنایانش از جمع ما جدا



ادامه مصاحبه با مدیرخانه سالمندان نیکان

پیشداد

آشنایی ندارد.

● اینجا پزشکان و پرستاران متخصص هم وجود دارد؟

تعهد مراکز و خانه‌های سالمندان ایران فقط پزشک عمومی است در اینجا چیزی به عنوان درمان وجود ندارد درمان جایگاهش در بیمارستان است چون امکاناتی برای درمان نداریم اما امکانات برای احیای سالمند داریم.

اما اگر لازم باشد و مسائل عفونی پیش بیاید با پزشک عفونی در ارتباط هستیم علاوه بر آن روانپزشک و متخصص اعصاب و روان هم داریم.

اما در رابطه با پرستاران، چیزی به نام دوره دیدن در کل کشور وجود ندارد.

● تا حالا سالمندان بی هویت شناسایی شده اند؟

عده‌ای از سالمندان بنابه دلایلی در خیابان گم شده اند که اندکی بعد خانواده هایشان آمدند و آن‌ها را تحویل گرفتند، اما برخی از آن‌ها در خیابان‌ها به تکدی‌گری مشغول اند که با حکم قضایی در اینجا نگهداری می‌شوند متهی نکته جالب اینجاست که سالمندان گم شده، با دارو و هاو شناسنامه‌شان گم می‌شوند که نشان دهنده‌ی عمدی بودن قضیه است.

● روز های ملاقات چطور است؟

ملاقات با سالمندان به جهت ویژه بودن این مکان و مشکلات خاص آن، در روزهای فرد هفته مثل همین روزی که شما تشریف آوردید، قرار دارد. با این وجود من از شما تقاضا دارم که اینجا بشینید و ببینید در ساعات ملاقات چند خانواده به سالمندشان سر خواهند زد. متأسفانه تعداد بسیار انگشت شماری هستند.

● به چه دلایل سالمند خود را به اینجا می‌آورند؟

یک بحث مربوط به مشاغل و دیگری مربوط به بیماری است.

متأسفانه فرهنگ نگهداری از سالمندان به خصوص بیماران اعصاب و روان و آلزایمر بین مردم وجود ندارد..

چیزی حدود صد و هفتاد هزار سالمند در استان وجود دارد که نیاز به مراقبت دارند که فقط هفتاد نفر آنها در خانه سالمندان وجود دارند.

● مکان نگهداری متعلق به کجاست؟ خصوصی است یا دولتی؟

خیر، این ملک شخصی است و به صاحب امتیازی دکتر نظری مهرباست. ایشان دوست داشتند یک خانه سالمندان را راه اندازی کنند.

● اولین مسئول خانه سالمندان نیکان چه کسی بود؟

اینجا مرکزی خصوصی است بنده اولین مسئول هستم.

● چند مرکز نگهداری سالمندان در استان وجود دارد؟

در شهر گرگان فقط یکی و مرکزی هم در گنبد برای آقایان است. البته یک خانه سالمندان دیگر تحت عنوان میرعماد در گرگان وجود داشت که مخصوص آقایان بود متهی نتوانست به حیات خود ادامه دهد و تعطیل شد. ما هم با تمامی مشکلات موجود در حال فعالیت هستیم.

● ظرفیت این مکان چند نفر است؟

۱۱۰ نفر. نبینید که فقط ۷۰ تن اینجا هستند؛ اگر در اینجا را باز بگذارم بسیاری سالمند به سمت ما خواهند آمد و تمامی ظرفیت های ما پر خواهد شد. ۳۵ سالمند در اینجا وجود دارند که بی هویت اند که نیمی از آنها خانواده دارند.

● چند نفر پرسنل دارید؟

۱۸ نفر. آشپزخانه جدا از این مجموعه است. شستشوی رخت ها با دستگاه صنعتی است که ضد عفونی هم می شوند. نیروی نگهداری، روانشناس، کاردرمان و مددکار هر کدام در حوضه خود فعالیت دارند. در برخی موارد نیز پرسنل نداریم.

● حرف آخر

به حول قوه الهی در حال حاضر به دنبال گرفتن مجوز برای ساخت مجموعه ای بزرگ تر هستیم و البته در این راه با سختی های بسیاری روبه رو هستیم. در آخر عرایضم از نشریه پیشداد برای ترتیب دادن این مصاحبه بسیار بسیار متشکرم.





یادداشت پند آمیز از دانشکده‌ی دور افتاده



باسلام. می‌خواهم درباره حبه‌ای قندی که درون لیوان چای افتاده است و در حال آب شدن است با سرعت کم چرخشی متوالی دارد و یک مرتبه نامرئی می‌شود را برایتان بازگو کنم؛ درباره ساخت دانشکده های که از سال ۱۳۹۲ نخستین فازهای آن به بهره برداری رسیده و امسال درباره دانشکده‌ای که یک هزار و ۶۸۹ متر مربع با اعتبار ۳ میلیارد و ۵۰۰ تومان ساخته شده است و سلف سرویسی در متراژ ۴ هزار و ۲۰۰ متر مربع با اعتباری بالغ بر ۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است و ۱۲۰ دانشجو در ۴ رشته مدیریت، حقوق، گرافیک و صنایع در آن مشغول به تحصیل شده‌اند و در سایه حمایت های دولت تدبیر و امید احداث شده است را برایتان بازگو کنم. بنا به نظرات دانشجویی دانشگاه اگر از طرف ریاست محترم دانشگاه جامع گلستان، به جای دانشکده تعاون خوابگاهی دولتی بهره برداری شده بود بهتر نبود؟ اگر نظرات دانشجویی اندازه ی مورد توجه قرار گیرد، یکی از مشکلات دانشگاه جامع گلستان وضعیت خوابگاهی و رفاهی دانشجویان می باشد. اگر از سال ۱۳۸۷ به جای رشد کمی بیشتر به رشد کیفی می پرداختیم، مونثمر ثمر تر نبود؟ اگر ریاست محترم دانشگاه جامع گلستان دکتر فرهاد یغمایی بود چه بیشتری را از وزارت علوم و تحقیقات فناری دریافت می کرد بهتر و مساعدتر نبود یا با مدیریت مندی بهتر دانشکده های دانشگاه گلستان به بهترین نحو انجام پروژه هایشان پیش می رفت؟ خارج از این مسائل سوالی برای

دانشجویان جدیدالورود سال تحصیلی ۹۶ در ذهنشان خطور می کند که چه شخص محترمی ریاست دانشکده تعاون را برعهده دارد؟ آیا از رشته های موجودی که در این دانشکده وجود دارند شخصی بر کرسی ریاست تعاون گمارده می شود؟ یکی از مشکلات پیچیده و در هم تنیده دانشگاه جامع گلستان عدم مدیریت لازم است! دانشگاه فقط نباید محل تحصیل باشد باید اسباب رفاه هم فراهم شود و از حالت آب در هاون ساییدن خارج شود. دانشگاه جامع گلستان باید مدیریت مندی رادراولویت کار خود قرار دهد؛ هر کاری باید از راه صحیح، با فکر و منطق، شروع و پایه گذاری گردد و گرنه تا آخر دچار مشکل و بی هدفی می شود و نتیجه ای هم نخواهد داشت.

خشت اول چون نهاد معمار کج تاثیر می رود دیوار کج



رئیس دکتور میمور؟



بر +



کلمه ای نام آشنا تا پشت پرده هایش!



۱) آیا برجام نوازدی ناقص الخلقه نیست؟
 ۲) برجام آغاز نفوذ بود یا نتیجه نفوذ؟
 ۳) برای امتیاز در مذاکرات باید من را دیوانه فرض کنید؟
 ۴) آیا هر توافقی بهتر از عدم توافق است؟
 ۵) برجام باید باشد تا مشکلات آب خوردن و محیط زیست حل شود؟
 که جواب های در هم تنیده ای دارد:
 به نظر بنده پاسخ سوال های پیش روی دانشجویان، کاملاً واضح و آشکار است. تا وقتی که برجام منافع کشورمان را تأمین کند به آن پایبند خواهیم بود. باید "ما می توانیم" که عبارتی حقیقی و ارزشمند است را از بالقوه بودن به بالفعل بودن تبدیل کنیم و اقتصاد مقاومتی را در جمهوری اسلامی ایران شکوفا کنیم و در کنار آن همواره به توصیه رهبر انقلاب یعنی تعاملی گسترده با دنیا که درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان ما سلطه گران عالم دنبال هستند، عمل کنیم. ما در ادامه می توانیم با همه دنیا منهای آمریکا و رژیم صهیونیستی غاصب، رابطه داشته باشیم. ما می توانیم هم با ملت ها و دولت ها دیگر تعامل برقرار کنیم، هم از کمک آن ها بهره مند شویم. حیات اجتماعی بشریت این جور پیش می رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا. اقلیم و جغرافیای ما امکانات رسیدن به این ها را آسان می کند.

در چند سال اخیر با کلمه ای نام آشنا مواجه شده ایم که تعریف و توافقی جامع و کامل از آن حاصل نشده است؛ کلمه ای که شاید در صفحات تاریخ معاصر برای همیشه به یادگار بماند، کلمه ای به نام برجام. کلمه ای که در دولت دوازدهم، دولتی که با شعار تدبیر، چاره اندیشی، امید و رونق اقتصادی متولد شد؛ کلمه ای که حاصل و برداشتی برای خود دارد/ندارد؟ خارج از تعریف کلمه برجام در چند روز اخیر فعل و انفعالاتی در داخل و خارج مرزهای جمهوری اسلامی ایران، رخ داده است. شاهد اخباری مبنی بر این بودیم که یک تیم مذاکره کننده درباره ی برجام به اتهام جاسوسی مجرم شناخته شده است. مسئله ی کوچک یا ساده ای نیست؛ هر کسی که به منافع ملی ایران ذره ای اعتقاد داشته باشد، نمی تواند از کنار این خبر ساده بگذرد. وقتی درباره ی مسئله ای چنین حساس مذاکره می کنید، هیچ چیز مهم تر از این نیست که طرف مقابل نداند استراتژی شما چیست، تا کجا و بر سر چه مسائلی کوتاه خواهید آمد و چه چیز خط قرمز شماست. "وقتی دست رو باشد عمل چانه زنی بی معناست" درست است که ظاهراً پده بستانی رخ داده است، اما در واقع طرف مقابل روند مذاکرات و نتیجه آن را کنترل می کند. کسی که اکنون دادگاه او را مجرم شناخته، یکی از اصلی ترین افراد مذاکره کننده درباره ی تحریم ها بوده است. واقعا با این وضع آیا عجیب است که بخش تحریم ها در برجام چنین بی محتوا و ضعیف باشد؟ نمی توان تا پیش از دست رسی به جزئیات قاطعانه قضاوت کرد. حال سوالاتی در ذهن دانشجویان مؤمن و انقلابی شکل می گیرد که می توان به موارد ذکر شده اشاره کرد:

تراپی: لیاگر مرگ بر آمریکا



تراپ دیوانه است! شاید این جمله را بارها از رسانه شنیده باشید؛ شاید بارها در مجامع عمومی، هر وقت از سیاست بحث می شود و صحبتی از تراپ می شود همه او را دیوانه خطاب می کنند اما این طور نیست؛ تراپ پازلی از پازل های سیاسی آمریکا به شمار می رود. از همان روزهای ابتدای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، تراپ با چهره ای کاملاً متفاوت از کاندیدهای دیگر در صحنه انتخابات حاضر شد و از همان رسانه های جهان که همگی زیر سلطه یهود اسرائیلیست، از او چهره ای دیوانه در ذهن جهانیان ساختند چرا که خوب می دانستند زمین بازی ساخته شده توسط خودش در حال حاضر نیاز به چه بازیکنی دارد. روزی با پنبه سر می برند و مانند روباه با حيله گیری و فریب تو را در منجلاب گرفتار می کند و روزی هم وحشیانه به تمام حقوق تو تجاوز می کند. از همه این بگذریم امروز فضای سیاسی کشورمان در حالی که برجام کاملاً از طرف آمریکا زیر پا گذاشته شده است، ما متحد علیه سیاست های آمریکا موضع گرفته ایم؛ از اصلاح طلبان گرفته تا اصولگرایان، همگی متفق القول هستند که آمریکا بد عهدی کرده و مجدداً روح خبیث و شیطانی خود را به نمایش جهانیان گذاشته تا به همه بفهماند که هیچ قدرتی قراتر از قدرت آن هان نیست و اگر بخواهد می تواند هر غلطی که دلش خواست انجام بدهد و هیچ کس نتواند حتی به ذره ای خرده بگیرد. این رفتارها و سیاستها فقط به ایرانیان ثابت کرد که آمریکا هرگز برای دوست واقع نخواهد شد و همیشه برای ما همان شیطان بزرگ باقی خواهد ماند.

«مردی از جنس سیاست»

ما از روحانی مردی از جنس سیاست که در مقابل ملت ایستاد تا سیاست پیری را به کرسی بنشانند اما دریغ از آنکه رهبر همین ملت اسلامی می دانست سرانجام این گفتگو و مذاکرات چه خواهد شد؛ اما او را دلواپس نام گذاشتند و هر کس صحبت از بی اعتمادی به آمریکا می کرد، او را با واژه دلواپس به تمسخر می گرفتند. امام ما مخالف با مذاکره و گفتگو نیست، اما خوب می دانیم مخالف هر نوع سازش و گفتگو با شیطان بزرگ است اما فرصتی مجدد برای

ایرانیان در اختیار گذاشت تا باری دیگر چهره ی خبیث آمریکا را ببیند و اندیشه سازش که بخش هایی از ذهنشان را اشغال کرده بود، نابود کند.

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»

همراه همیشگی ملت ایران در تمام فراز و نشیب های تاریخی، این بار درخشان تر از سابق در آسمان ایران خود را به نمایش گذاشته است؛ اما اینکه در این چند سال به نا حق متوجه حجمه زیادی از سمت دولت به خود شد اما صبورانه ایستاد تا آمریکایی ها زیر پایشان را خالی کنند تا ببیند یک من ماست چقدر کره دارد. سپاه پاسداران با تمام قدرت با سلحشوری حاج قاسم سلیمانی، داعش را تار و مار کرد و قدم های نحسشان را از خاورمیانه محو کرد. همان زمانی که مدافعان حرم در عراق و سوریه از اسلام و ایران دفاع می کردند، برخی با تمام قوا به تخریب آنها پرداختند؛ اما مدافعان شرف باری دیگر با خون خود نهال انقلاب اسلامی را آبیاری کرده و با خون خود بر پایداری آن مهری محکم کوبیدند و امروز شاهد سربلندی و سرفکندگی خود باختگان در مقابل آمریکا و سیاست های سازش گرانه خود شدند؛ اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغوش خود را باز کرده و دیپلمات های فریب خورده را پشتیبانی کرده و باز هم مشتی محکم بر دهان آمریکا کوبیده است. آری این مرام مردان علیست.

مرگ بر آمریکا





مصاحبه با شورای صنفی دانشگاه گلستان؛ پیگیری خزنه‌ها

● **غذایی که برای دانشجویان دانشکده الغدیر برده می شود، از سلف مرکزی دانشگاه هستش؟ چون مسیر طولانی هست، چه تدبیری برای انتقال غذا اندیشیده شده است؟**

غذا توسط ماشین توی دیگ‌ها حمل می شود. در دانشکده الغدیر گرم کننده غذا داریم و تا به حال مشکلی از بابت کیفیت غذا از دانشکده الغدیر به ما گزارش نشده است.

یعنی هیچ انتقادی نشده؟

نه همون گرم کننده غذایی که در الغدیر هست برای سلف مرکزی هم استفاده می شود. ما ساعت ۱۱:۳۰ پخش غذا رو شروع می کنیم و تا ساعت ۱۳:۳۰ و ۱۳:۴۵ دانشجویان غذا رو تحویل می گیرند؛ حدوداً دو ساعت اگر غذا ها داخل گرم کننده ها نباشند سرد می شوند گرم کننده غذا رو کامل گرم نگه می دارد.

● **قیمت غذا هر سال افزایش پیدا می کند؛ این از طرف صندوق رفاه است یا خود دانشگاه افزایش می دهد؟**

صندوق رفاه ۱۰٪ به قیمت غذاهاش اضافه کرد؛ مثلاً اگر قبلاً از شما هزار تومان می گرفتند، الان هزار و صد تومان می گیرند. همون غذای ۱۱۲۵ تومنی که دانشجو دارد میل می کند، ما به صورت میانگین ۷۵۰۰ تومان به پیمانکار پرداخت می کنیم و خیلی از دوستان این رو واقعاً نمی دانند و فکر می کنند با ۱۱۲۵ تومان میشه اون غذا رو تدارک دید.

● **بسیاری از دانشجویان عنوان کردند که داخل سلف تعدادی از صندلی ها فرسوده هستند؛ آیا نیاز به تعمیر و باز سازی ندارند؟**

از شما جمع حاضر که اینجا هستید یکی به من پاسخ بده الان در وضعیت موجود این دانشگاه پیشنهاد خود شما برای همین صندلی هایی که داریم استفاده می کنیم چیه؟ ما اینجا نشستیم و می گیم صندلی ها فرسوده اند و شما از وضعیت موجود دانشگاه هم یک مقداری خبر دارید و میدونید.

● **بارها پیش اومده توی سلف صندلی بچه ها میفته و با لذت، به جای غذا، زمین می خورند.**

از نظر شخصی، اگر مهم و مهمتر رو در نظر بگیریم دانشگاه نیاز های شدید تری داره و با صندلی های فرسوده به عنوان یک شهروند ایرانی، اگر بخوایم

پرسش و پاسخ های زیر در مصاحبه با دبیران شورای صنفی، خانم خسروی و آقای عبدالهی حاصل شده است.



● **سوال در مورد صندوق رفاه و وام های دانشجویی؛ این وام های دانشجویی به چه مبلغی به دانشجویان تعلق می گیرد، و اینکه دانشجویان شبانه و روزانه هر دو می توانند وام بگیرند یا خیر؟**

خب این سوال یکم تخصصی شد و باید با دقت بیشتری بهش بپردازیم.

دانشجویان شبانه وام خاص خودشون رو دارند و صندوق رفاه وام را متناسب با درخواست دانشجویان به حساب دانشگاه میریزند؛ ولی در بخش روزانه صندوق رفاه یک اعتباری را می فرستد و ما اون اعتبار را بین دانشجویان متقاضی تقسیم می کنیم. به صورت معمول هر سال هم تقاضای دانشجویان و هم اعتباری که صندوق رفاه به ما می دهد افزایش پیدا می کند. تا به الان ما صد در صد دانشجویان متقاضی وام را اگر در تاریخ تعیین شده فرم و مدارک را تحویل داده باشند، پوشش داده ایم.

● **دفتر شورای صنفی فقط در محل دفتر کانون ها هستش؛ یعنی سایر دانشکده ها از جمله الغدیر و سرخنکلاته فضایی ایجاد شده یا خیر؟!**

نه، واقعیت این هستش که ما در دانشگاه کمبود فضا داریم و خیلی از اساتید، معاونت های دانشکده ها و... با این مشکل مواجه هستند؛ درحالی که ما دچار این مشکلات هستیم بیایم برای یک نفر نماینده شورای صنفی یک فضا اختصاص بدیم؟

نمایندگان شورای صنفی در دانشکده ها، کار خودشون را از طریق ارتباط گیری با دوستان و همکلاسی های خودشون انجام می دهند.

دو پرسش از مدیر امور دانشجویی دانشگاه، جناب آقای مهندس نجفی



● **رزومه کاری خودتون در چند سال اخیر را بیان کنید و اینکه از چه زمانی مسئول امور رفاهی و صنفی دانشجویان شدید؟**

بنده حمید نجفی هستم، مدیر امور دانشجویی دانشگاه گلستان. بنده در ابتدا معلم بودم و ۲۱ سال سابقه در آموزش و پرورش دارم؛ پس از آن مأمور شدم به دانشگاه گلستان بپام و به مدت حدود دو سال به صورت مأمور در همین پست کار کردم، پس از اون به بهزیستی استان گلستان رفتم و معاون اجتماعی بهزیستی استان گلستان و همزمان معاون پیشگیری هم بودم. بعد برگشتم به آموزش و پرورش و درخواست انتقالی کردم به دانشگاه گلستان و مجدداً در سمت مدیر امور دانشجویی در خدمت دانشجویان هستم.

● **شورای صنفی دانشگاه گلستان از چه تاریخی در دانشگاه شروع به فعالیت کرد؟**

بنده فکر می کنم شورای صنفی در بدو تشکیل دانشگاه گلستان دقیقاً متناسب با زمان و تاریخ خودش شکل گرفته است. خب دقیقاً شبیه بخش نامه ای که برای سایر دانشگاه هاست هر سال انتخابات برگزار می شود و تعدادی از دانشجویان داوطلب شده و انتخاب می شوند.

ادامه مصاحبه با شورای صنفی دانشگاه

خیلی بیشتر هستش

بوفه در مناقصه شرکت کرده و قیمت

ها رو به بخش اداری دانشگاه دادند. ان شاء الله من با آقای احمدی هماهنگ می شدم و قیمت ها رو مقایسه می کنم بینم چقدر متفاوت هستند. اما اگر این قیمت رو می دهند قبلاً تو مناقصه شرکت کردند، قیمت دادند و برنده شدند و دارند طبق قیمت خودشان می فروشنند؛ من نمیتونم مداخله کنم ولی در بحث قیمت حتما صحبت خواهم کرد.

● **مبنای انتخاب غذاهای سلف چیه؟ قابل تغییر هست؟ دو وعده قرمه سبزی قرار دادند توی برنامه، نمی شد به جای دو وعده قرمه سبزی یک غذای دیگه اضافه می کردند؟!**

این که دو وعده قرمه سبزی گذاشتیم پیشنهاد ما بود. بر اساس تجربه هایی که داشتیم یک بخش از دوستان میگویند که قرمه سبزی شما روز شنبه است ما خیلی قرمه سبزی دوست داریم کلاس هامون روز چهارشنبه است، ما نیستیم که بخوریم، پیشنهاد خود بچه ها بوده که قرمه سبزی رو دو وعده در هفته قرار بدیم.

● **شام هایی که میارن خوابگاه کیفیتش خیلی پایینه، غذا ده دقیقه بومونه واقعا قابل خوردن نیست.**

نه شما بیاید این غذا رو توی سلف بخورید اونوقت این حرف رو نمی زنید. خب غذا رو ۵ توزیع میکنن و دانشجو ساعت ۷ یا ۸ استفاده می کنه، طبیعیه که کیفیت غذا میاد پایین.

● **حرف آخر**

شورای صنفی دانشگاه گلستان از دانشجویان درخواست دارد که صبور باشند و با نظرات و پیشنهادات خودشان در مورد مسائل و مشکلات ما را در خدمت رسانی شایان تر، یاری نمایند.

یک ساختمان شخصی قرارداد می بندیم. نمیدانم در جریان هستید یا خیر متهی طبق تعرفه هر ساله روی اجاره بهای خانه ها حدود ۵ درصد اضافه می شود و این طبیعیت است که پول خوابگاه هم بیشتر شود. در ضمن ما همه این کارها را کردیم که خانواده ها از شهر های دیگر از وضعیت فرزندشان خیال جمع تری داشته باشند. این را هم بگویم که خوابگاه پسران قیمت بیشتری در مقایسه با خوابگاه دختران دارد چون ساختمان خوابگاه نام آوران در مرکز شهر قرار دارد و واضح است که باید هزینه بیشتری در بر داشته باشد.

● **در مورد خوابگاه دختران، چرا باید الان در طی سال تحصیلی تعمیرات داشته باشیم؟ مگر تابستان تعطیل نبود؟**

تعمیرات انجام دادند در طی تابستان، ولی یک قسمت هایی دیده نمیشه و توی کار خودشون نشون میده. اتفاقی که افتاد هفته پیش بود، الان با مشکلات مشغول بودن تا دیشب که من تلفنی صحبت کردم باهاشون بابت اینکه به کجا رسیدید؟ گفتن که ان شاء الله تا آخر هفته مشکلات رو حل می کنیم.

● **این بحث که هست، ولی ما توی خوابگاه تا سرویس بهداشتی هم که می خواهیم بریم باید مانتو و روسری بپوشیم چون کلاً تا ۱۱ و ۱۲ شب آقایون توی خوابگاه رفت و آمد می کنند.**

همین یکی از سوالات من از ایشان بوده گفتن کاری نمیشه کرد، اتفاقی که نمی خواستیم پیش بیاد دیده نمی شده ولی اتفاق افتاده و باید حل بشه.

● **مسئولان بوفه در دانشگاه ترم پیش کمی منصف تر بودن الان قیمتش**

کمک کنیم به حوزه اقتصادی و ملی خودمون یکیش همین هست که باصندلی ها مدارا کنیم.

● **چرا توی سلف دستمال کاغذی قرار نمیدن؟ بچه ها دستاشونو بشورن و خشک کنند و حین میل کردن غذا لب و دستاشون رو تمیز کنند.**

ببینید شما هر دانشگاهی برید در حوزه ی تغذیه دستمال کاغذی نمی بینید؛ این جمعیتی که میاد پاسخگو نیست واقعا، ما چندتا دستمال کاغذی بذاریم؟

یه پیشنهاد؛ دو تا از سشوار های دست خشک کن کنار روشویی قرار بدید به جای دستمال کاغذی.

پیشنهاد خوبیه.

● **یک سوالی هست در مورد وام دانشجویی؛ در تابستان یک سری از دوستان می خواستند وام بگیرند و چیزی که من شنیدم این بود که باید از شهر خودشون ضامن بیارن؛ دونا ضامن یا یک ضامن؟**

ببینید ما نمی گیم ضامن از شهر خودشون بیارن ما می گیم سند تعهد محضری هست این رو ببرند شهر خودشون تشریف ببرند دفترخانه با ضامن کارمند ثبت می کنند و فرم رو میارند برای ما، ما هیچوقت نگفتیم ضامنتون بیارید گرگان.

● **سقف وام دانشجویان شبانه و روزانه با هم تفاوت داره؟**

بله. اعتبار وام دانشجویان روزانه بیشتر از دانشجویان شبانه است.

● **فکر نمی کنید که این باید بر عکس باشه؟**

نه اصلاً صندوق رفاه در قبال دانشجویان شبانه هیچ تعهدی بابت پرداخت وام نداره و همین مقداری هم که پرداخت می کنه داره لطف میکنه. صندوق رفاه برای دانشجویان شبانه تعریف نشده و برای دانشجویان روزانه شرح وظیفه داره و وام باید پرداخت کنه؛ به همین دلیل ما مسئله رو درخواست از سالیان قبل داشتیم.

● **بریم سراغ وضعیت خوابگاه ها؛ یک دانشگاه دولتی مثل دانشگاه گلستان که ما در آن حضور داریم چرا خوابگاه دولتی نداره؟ شهریه هر ساله خوابگاه هم افزایش پیدا می کنه؛ مثلاً الان شده ۷۰۰ هزار تومن؟** ببینید دانشگاه ما حدود ده سال می شود که تاسیس شده است و هنوز خوابگاه رسمی ندارد و ما با





شعر در آینهٔ روایت

شعر دانشجویی

داشت می رفت و خودم دیدم و دیدم که رفت
او چنان رفت که افسردم و این هم به درک

پی او بس که دویدم به زمین افتادم
یاد او را ز سرم بردم و این هم به درک

هی زمین خوردم و در خاک زمین غلطیدم
طعنه هایی ز زمین خوردم و این هم به درک؟

همه جا گفت که "او رفته" خودش رفت ولی
همه جا گفت که من مردم و این هم به درک

او که می رفت دلم مزه غم را فهمید
همچنان در غمش آزردم و این هم به درک

همه گفتند "اگر هر چه شود می ماند"
به دروغ همه پی بردم و این هم به درک

او مجاور گل من بود که بعد از مرگش
در تن باغچه پژمردم و این هم به درک

پیشداد

شعر دانشجویی



طراحی و چاپ پوستر، بنر، بروشور
طراحی و چاپ انواع نشریه و مجلات

 ۰۹۱۱-۷۲۸-۷۹۷۶ / ۰۹۰۳-۰۳۸-۳۹۳۲

 @DaneshjoGraph

گروه طراحی و چاپ دانشجو گراف



ما از مردم خواهش میکنیم که درخت را پاس بدانند و فضای سبز را اهمیت بدهند.
«هر ایرانی یک درخت» که گفته میشود و در زبانها هست، شعار خوبی است! سعی کنند
در این ایام - که ایام درختکاری و فصل درختکاری است - هر چه میتوانند افزایش بدهند.

هدایای یک درخت